گزارش

زهرا چیذری

پیامبر اکرم بهشت را زیر پای مادران می‌دانستند تا جایگاه مادر در نگاه عرب مردسالار بالا رود و زن و مرد به جایگاه تعریف شده‌شان در نظام هستی دست یابند. حالا اما با گذشت قرن‌ها از آن دوران شاهد بازگشت نگاه جاهلیت در بسیاری از جوامع هستیم؛ نگاهی که در برخی از پیشرفته‌ترین جوامع با انتخاب جنسیت پیش از تولد و با استفاده از پیشرفته‌ترین تکنیک‌ها همچون IVF و در برخی جوامع با سطح فرهنگ پایین‌تر با سقط جنین و حتی در مواردی کشتن جنین‌های دختر در همان بدو تولد رقم می‌خورد تا باز هم دختران زیادی متولد نشوند. این دستکاری در ساختار طبیعت اما حالا به یک چالش جدی در سطح جهانی مبدل شده است

کمبود ۲۳میلیون زن در کره زمین!

جاهلیت مدرن و دخترانی که متولد نمی‌شوند

جمعیت زنان در دنیا رو به کاهش است و مطابق گزارش‌های منتشر شده «کره زمین ۲۳ میلیون زن کم دارد»! این کمبود دختران و زنان در برخی کشورها به حد نگران کننده‌ای رسیده است تا جایی که کشورهایی همچون چین حالا باید برای مردان مجردی که همسر پیدا نمی‌کنند فکری کنند. چرایی کمبود دختران نسبت به پسران هم یک دلیل ساده دارد؛ غلبه فرهنگ پسردوستی و ممانعت از به‌دنیا آوردن فرزند دختر به خصوص در کشورهایی همچون چین که برای سال‌های طولانی سیاست تک‌فرزندی اجرا می‌شد. حالا در دست‌کم ۱۰ کشور دنیا مسئولان نگران آینده جمعیتی هستند چراکه تنها گزینه‌ای که می‌تواند جمعیت آینده یک کشور را تضمین کند زنان زیر ۴۵ سال هستند با این وجود بازماندگان دوران جاهلیت که تعدادشان کم هم نیست همچنان نمی‌گذارند دختران متولد شوند!

اگر به آمار و ارقام و گزارش‌های سازمان ثبت احوال کشورمان مراجعه کنیم درمی‌یابیم که در ایران به طور طبیعی پسرهای بیشتری متولد می‌شوند. آمارهای کشور ایران نشان می‌دهد نرخ تولد به طور طبیعی بین ۱۰۵ تا ۱۰۷ پسر در ازای هر ۱۰۰ دختر است اما در برخی کشورهای جهان نرخ تولد نوزاد پسر به مراتب بیشتر از تولد نوزاد دختر است. البته این تفاوت نه به صورت طبیعی بلکه به واسطه سقط جنین‌های دختر و یا انتخاب جنسیت جنین به صورت غیرطبیعی است و موجب شده تا تعادل جمعیت دختران و پسران در این کشورها به هم بخورد و از سوی دیگر نگرانی‌هایی را درباره آینده جمعیتی آنها شکل داده است.

■ غلبه فرهنگ پسردوستی

پژوهش‌ها نشان می‌دهد غلبه فرهنگ پسردوستی در بسیاری از مناطق پرجمعیت جهان باعث کمبود جنس مؤنث شده است.

راشاتودی خبر داد رواج فرهنگ پسردوستی در کشورهایی همچون چین و هند در کنار فشار مسئولان این کشورها برای محدود کردن فرزندآوری باعث افزایش میانگین سقط جنین‌های دختر در این کشورها شده تا امروز با رقم فاجعه‌بار کمبود ۲۳/۱ میلیون دختر در جهان مواجه شویم.

بر اساس این گزارش، ۱۰/۶ میلیون نفر از این کمبود به دلیل سقط جنین‌های صورت گرفته در هند و ۱۱/۹ میلیون نیز در چین به وجود آمده است.

نتایج این پژوهش که طی پنج سال توسط یک مؤسسه سنگاپوری انجام گرفت، حاصل جمع‌آوری اطلاعات از ۲۰۲ کشور جهان از جمله کشورهایی است که جوامع آن در برهه‌ای از تاریخ پسران را به دختران ترجیح می‌دادند.

در نتیجه‌گیری‌های پژوهش هم تأکید شده ادامه این روند باعث شده نسبت جنس مذکر به مؤنث امروز ۱۱۸ به ۱۰۰ شود، به این معنی که از هر ۲۰۰ نوزاد به دنیا آمده، ترجیحاً ۱۰۵ نوزاد پسر است.

مجله «Le Figaro» هم به استناد از مقاله منتشره در مجله علمی PNAS ضمن اعلام این موضوع که جهان امروز، با کمبود فاجعه بار ۲۳/۱ میلیون زن مواجه است، آورد: این پدیده در کشورهای هند و چین برجسته‌تر است چراکه بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۱۷، در تناسب با ۱۱/۹ میلیون پسر ۱۰/۶ میلیون دختر به دنیا آمده است. بر همین مبنا، در چین، پرجمعیت‌ترین کشور جهان تعداد مردان ۳۴ میلیون بیشتر از تعداد زنان است.

■ تهدید سیمای جمعیت جهان با حذف زنان

ترجیح نوزدان پسر به دختر در حالی است که مسئولیت و قدرت ایجاد نسل جدیدی از انسان‌ها با زنان است و تنها زنان زیر ۴۵ سال هستند که می‌توانند این کار را انجام دهند اما با دستکاری آمار دختران نسبت به پسران ممکن است نسل مردم کشورهای پسردوست دنیا با خطر انقراض مواجه شود!

علاوه بر هند و چین کشورهای آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، هنگ کنگ، هند، کره جنوبی، مونته‌نگرو، تایوان، تونس و ویتنام از جمله کشورهایی هستند که با مشکل کمبود زن مواجه شده‌اند. دلیل این رخداد هم سیاست خانواده‌ها در داشتن یک فرزند است و به همین خاطر هم جنین‌های دخترشان را سقط می‌کنند.

فرهنگ پسردوستی اما تنها در میان آسیایی‌ها غلبه ندارد به خصوص اینکه توسعه علم و فناوری برای تعیین جنسیت قبل از بارداری این معضل را به کشورهای اروپایی هم تسری داده است. پدیده کمبود زن در ایسلند آنجا که برای هر ۱۰۰ زن ۱۰۴ مرد و در کانادا آنجا که تعداد مردان ۲۵۰ هزار نفر بیش از زنان و به همان نسبت ۱۲۰ هزار مرد بیش زنان در نروژ است، احساس می‌شود. بر اساس آمارهای رسمی، در فنلاند هم ۲۵۶ هزار مرد بین ۲۵ تا ۵۴ سال نامزد یا همسر ندارند و دولتمردان نیز نمی‌دانند که چه روشی را برای کاهش این اختلاف جنسیتی به کار گیرند.

■ انتخاب جنسیت جنین با چاشنی ریسک سرطان مادر

در کشور ما هم به نظر می‌رسد فرهنگ پسردوستی غلبه دارد و کم نیستند خانواده‌هایی که ترجیح می‌دهند فرزندشان پسر باشد، در مقابل این اما خانواده‌های زیادی هم هستند که دختر دوست دارند و گروهی از خانواده‌ها هم مهم‌ترین گزینه برایشان داشتن فرزندی سلامت است. با وجود این تجاری شدن مباحث مرتبط با ناباروری در ایران هم موجب شده تا برخی مراکز ناباروری به تعیین جنسیت جنین پیش از تولد اقدام کنند؛ امری که بنا به تأکید پدر علم ژنتیک ایران می‌تواند مادران را در معرض سرطان‌های رحم و تخمدان قرار دهد.

آن‌طور که حمید چوبینه مدیر مرکز فوق تخصصی درمان ناباروری رویش هلال می‌گوید در این مرکز امکان تعیین جنسیت فرزند دوم به بعد خانواده‌ها امکان‌پذیر است. برای نمونه زوجی دارای دو فرزند پسر است و تمایل دارد که فرزند سوم آنها دختر باشد که با مراجعه به این مرکز می‌توانند این انتخاب را داشته باشند.

وی در گفت‌وگو با «جوان» می‌افزاید: «یکی از بحث‌هایی که علوم مختلف پزشکی به خصوص درمان ناباروری روی آن کار می‌کنند، تکنیک بررسی اختلالات ژنتیکی و کوروموزومی است که در اصل، درمان ناباروری و پیشگیری از اختلالات ژنتیکی را مورد هدف قرار می‌دهد، اما در کنار این هدف اصلی امکان تعیین جنسیت جنین هم وجود دارد. بنا به تأکید این متخصص در برخی کشورها انجام چنین کاری ممنوع است؛ کشورهایی مانند چین که سیاست تک‌فرزندی دارد و تمایل مردم به لحاظ بافت فرهنگی به یک جنس ترکیب جنسیتی جامعه را به‌هم می‌زند. با وجود این اما شاهد گرایش مردم به روش‌های غیرعلمی مانند جادو برای تعیین جنسیت جنین هستیم.»

چوبینه درباره روش‌های علمی تعیین جنسیت جنین می‌گوید: «یکی از روش‌های علمی البته با قطعیت کم برای تعیین جنسیت فرزند روش IUI است که احتمال موفقیت آن ۶۵ تا ۷۰ درصد و درصد موفقیت باروری در این روش ۲۰ درصد است و در مجموع شانس داشتن فرزند از جنس دلخواه در این روش کم است.»

وی تصریح می‌کند: «روش تشخیص ژنتیکی قبل از لانه‌گزینی روش دیگری است که برای درمان یا جلوگیری از اختلالات ژنتیکی و کوروموزومی استفاده می‌شود و با این روش می‌توان با موفقیتی بیش از ۹۵ درصد جنسیت جنین را هم به دلخواه تعیین کرد.» بنا به تأکید این متخصص درمان ناباروری برای انجام تعیین جنسیت دلخواه برای جنین باید داروهای متعددی به مادر تزریق شود و وی سختی زیادی را باید تحمل کند.

■ احترام به خواست خدا در تعیین جنسیت فرزند

به گفته چوبینه ورود هیچ ماده بیرونی به ساختار بدن خالی از عارضه نیست و روش‌های تعیین جنسیت جنین هم ریسک ابتلا به بیماری سرطان را در مادر افزایش می‌دهد، به خصوص اگر فردی دارای زمینه باشد. البته این بدین معنا نیست که کسی با یک بار انجام این کار الزاماً سرطان می‌گیرد. این پزشک متخصص تصریح می‌کند: «من به اقوام خودم هم توصیه می‌کنم اگر می‌خواهند فرزند داشته باشند به خواست خدا در تعیین جنسیت فرزندشان احترام بگذارند و این توصیه را به مردم کشورم هم می‌کنم هر چند این بحث‌ها نیازمند ورود صاحبان فرهنگ و جامعه‌شناسی و اصلاح نگرش در جامعه است.»

پروفسور داریوش فرهود می‌گوید: «در حال حاضر برای تعیین جنسیت دو روش رایج وجود دارد که روش اول موسوم به IVF و روش دوم مربوط به سبک زندگی افراد است. در روش IVF بعد از انجام مشاوره و آزمایش‌های لازم باید ۱۲ تا ۱۷ تخمک در طول یک ماه از مادر و تعدادی اسپرم از پدر گرفته شود که لازمه این موضوع انجام هورمون‌تراپی یا دوپینگ هورمونی مادر است و از آنجا که لازم است بنا به تشخیص پزشک مقداری هورمون به مادر تزریق شود، درصد ابتلا به سرطان سینه، سرطان تخمدان و سرطان رحم در مادر افزایش می‌یابد.» به گفته وی انجام IVF بستگی به سن مادر و شرایط فیزیکی مادر متفاوت دارد و در افراد معمولی این روش فقط ۱۸ تا ۲۲ درصد جواب می‌دهد و متقاضیانی بودند که حتی با انجام چهار بار IVF هیچ نتیجه‌ای نگرفتند. این متخصص به مادرانی که دلشان می‌خواهد جنسیت فرزندشان را خودشان تعیین کنند توصیه می‌کند «عمل IVF یک عمل تهاجمی است که می‌تواند بعدها عوارض ناگواری برای مادر ایجاد کند، بنابراین توصیه می‌شود مادران برای باروری از طریق این روش تحت نظر متخصص پس از انجام مشاوره‌های کافی اقدام به این عمل کنند.»

■ بر هم خوردن تعادل و ثبات جامعه

ثبات یک جامعه در تعادل بین جمعیت دختران و پسران است و کاهش جمعیت یک جنس می‌تواند تعادل جامعه را به هم بزند. کاهش جمعیت دختران تبعات فراوانی را برای جامعه به همراه دارد که مهم‌ترین آن کاهش موالید و جمعیت جوامعی است که با کاهش جمعیت زنان نسبت به مردان مواجهند. تبعات کاهش تعداد زنان به مردان در جامعه تنها تبعات ساختاری همچون مباحث جمعیتی نیست بلکه این مسئله تبعات فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی متعددی را هم به همراه می‌آورد.

در برخی پژوهش‌های جهانی درباره افزایش آمار پسران نسبت به دختران از این بر هم خوردن تعادل جمعیتی به عنوان عاملی برای تهدید صلح جهانی یاد کرده‌اند! شاید این ادعا کمی اغراق‌آمیز به نظر برسد اما وقتی جامعه‌ای با کاهش تعداد زن نسبت به مرد مواجه شود مردان گزینه‌های کمتری برای ازدواج و ادامه نسل دارند. در این میان بدیهی است مردانی از شانس ازدواج با زنان موجود در جامعه برخوردار شوند که دارای تحصیلات و موقعیت اجتماعی بالاتر هستند و بخشی از مردان جامعه هیچ شانسی برای ازدواج نخواهند داشت. برخی کارشناسان معتقدند این پدیده سبب رواج و رشد خشونت در جامعه‌ای می‌شود که مردانش امکان زندگی طبیعی و تشکیل خانواده ندارند.

نمای نزدیک

بازگشت به دوران جاهلیت در عصر پسامدرن!

دوران جاهلیت با یک ویژگی مهم در اذهان عمومی تداعی می‌شود و آن چیزی نیست جز ننگ دانستن داشتن فرزند دختر و زنده به گور کردن دخترها! اسلام اما در یکی از نخستین اقدام‌ها به مبارزه با این فرهنگ سیاه و منحط پرداخت و دخترانی که در دوران جاهلیت محکوم به مرگ یا زندگی برده‌وار بودند و پدر و مادرهایی که در هنگامه تولد فرزندشان اگر با نوزاد دختری مواجه می‌شدند زنده زنده او را به دستان گور می‌سپردند به برکت دین مبین اسلام نه فقط زنده ماندند بلکه عزت یافتند. یکی از دستاوردهای مهم اسلام این بود که فرهنگ مردم دوران جاهلیت را آنچنان ارتقا دهد که نه فقط دخترانشان را زنده به گور نکنند بلکه دختر داشتن به یکی از افتخارات خانواده‌ها تبدیل شود. رسول مکرم اسلام حضرت محمد(ص) به داشتن دختری همچون حضرت زهرا(س) افتخار می‌کردند و دست این بانوی مکرمه را می‌بوسیدند و دختر را برکت خانه می‌دانستند تا عرب جاهلیتی که پیش از این دخترانشان را پنهان و یا زنده به گور می‌کردند از رسول اسلام الگو بگیرند و زن به جایگاه واقعی و حقیقی خود دست یابد. پیامبر اکرم بهشت را زیر پای مادران می‌دانستند تا جایگاه مادر در نگاه عرب مردسالار بالا رود و زن و مرد به جایگاه تعریف شده‌شان در نظام هستی دست یابند. حالا اما با گذشت قرن‌ها از آن دوران شاهد بازگشت نگاه جاهلیت در بسیاری از جوامع هستیم؛ نگاهی که در برخی از پیشرفته‌ترین جوامع با انتخاب جنسیت پیش از تولد و با استفاده از پیشرفته‌ترین تکنیک‌ها همچون IVF و در برخی جوامع با سطح فرهنگ پایین‌تر با سقط جنین و حتی در مواردی کشتن جنین‌های دختر در همان بدو تولد رقم می‌خورد تا باز هم دختران زیادی متولد نشوند. این دستکاری در ساختار طبیعت اما حالا به یک چالش جدی در سطح جهانی مبدل شده است.

یادداشت

کبری فرشچی

زنان علیه زنان!

یک: سهم زنان از کرسی‌های پارلمان باید افزایش یابد و به ۳۰ درصد برسد؛ این زمزمه‌هایی است که تا پیش از انتخابات مجلس دهم بر آن تأکید می‌شد و چهره‌هایی همچون شهیندخت مولاوردی معاون سابق زنان و خانواده رئیس جمهور هم از حامیان آن بودند. طرح سهمیه ۳۰ درصدی زنان از مجلس در نهایت محقق نشد اما مجلس دهم بیشترین تعداد کاندیدای زن را در طول مجلس‌های بعد از انقلاب به خود اختصاص داد و سهم نمایندگان زن از کرسی‌های پارلمان نیز به ۱۳ نفر رسید.

دو: زنان پارلمان دهم شاید از پرحاشیه‌ترین نمایندگان در ادوار مختلف باشند. مجلس دهم در حوزه زنان و خانواده غیرفعال نبود اما مصوبه‌ها و تلاش‌هایش چندان تجانسی با واقعیت‌های جامعه نداشت و ندارد. در عوض با برجسته‌سازی مسائل حاشیه‌ای چهره‌هایی که تا پیش از این کمترین نامی از آنها در سپهر سیاسی کشور نبود به عنوان فعال حوزه زنان شناخته شدند و عکس‌ها و نظراتشان چه با جهت مثبت و چه با جهت منفی در رسانه‌ها انعکاس یافت و بدین ترتیب شاهد نوعی چهره‌سازی بودیم آن‌هم به مدد مسائلی همچون حضور زنان در ورزشگاه‌ها برای مسابقات فوتبال مردان، افزایش حداقل سن ازدواج و یا سهم‌خواهی برای افزایش حضور نمایندگان زن در مجلس و طرح‌هایی از این دست.

سه: طرح حضور زنان در ورزشگاه‌ها برای مسابقات مردانه‌ای همچون فوتبال و نه به عنوان تماشاچی مسابقات زنان موضوعی است که مدت‌ها تیتر یک برخی رسانه‌ها بود و آنچنان به مدد تکنیک‌های رسانه‌ای برجسته‌سازی در کانون توجه رسانه‌ها و چهره‌های زن قرار گرفته بود که در سطح جامعه نیز زنان برخی از گروه‌های اجتماعی و طبقات مرفه جامعه اذهانشان به سمت این ماجرا منحرف شد. زنان اقشار متوسط و پایین که قاطبه جمعیت زنان را تشکیل می‌دهند اما در برابر ما طلبه‌انگاری حضور زنان در ورزشگاه‌ها همچنان انگشت تعجب به دهان به مطالباتی فکر می‌کردند که مطالبه حقیقی آنها بود اما هیچ‌گاه مورد توجه زنان نماینده و سیاستمدار قرار نگرفت! مطالباتی نظیر بیمه زنان خانه‌دار، اجرای مرخصی ۹ ماهه زایمان، تسهیل شرایط مادران دارای فرزند زیر پنج سال و مسائلی از این قبیل که زنان حاضر در قدرت هیچ‌گاه آنها را درک نکرده‌اند تا به عنوان مطالبه برای عامه زنان مطرح سازند.

چهار: ماجرای سیل و آسیب‌های زنان سیل‌زده درست در شرایطی رخ داد که زنان مجلس سخت مشغول لابی برای تصویب طرح افزایش تعداد نمایندگان زن و سهمیه‌بندی برای این کار بودند. این ماجرا آنچنان ذهن آنها را به خود مشغول کرده بود که کوچک‌ترین موضع‌گیری درباره وضعیت زنان سیل‌زده نداشتند چه برسد به حضور در کمپ‌ها و دلجویی از زنان آسیب‌دیده.

پنج: ماجرای بازی پرسپولیس و سپاهان و زخمی‌های این بازی در میان تماشاگران و صحنه‌های فجیعی که در این بین خلق شد هم از دیگر مواردی بود که با سکوت عمیق زنانی مواجه شد که تا پیش از این داعیه‌دار حق حضور زنان در ورزشگاه‌ها بودند. زنان نماینده و فعال اجتماعی که در این بازی و بازی‌های مشابه نه خودشان حضور دارند و نه دخترانشان را به چنین کارزاری می‌فرستند اما زنان و دختران جوان را تهییج می‌کنند تا به مدد گریم و ترفندهایی از این دست وارد میدانی شوند که مردان با سرهای شکسته و صورت‌های خونین از آن خارج می‌شوند. کنار هم چیدن قطعات این پازل اما تکمیل‌کننده یک موضوع است؛ زنان نماینده و سیاستمدار علیه زنان عادی در جامعه!

نگاه

مریم زاهدی

اخلاص دخترانه از نوع دهه هشتادی!

دانشگاه علامه طباطبایی یک دانشگاه دخترانه است. شاید نه به اندازه دانشگاه الزهرا که به واسطه تک‌جنسیتی بودن دخترانه شناخته می‌شود اما به دور از آمار و ارقام رسمی وزارت علوم درباره میزان دخترانی که وارد دانشگاه‌ها می‌شوند کافی است تا در فضای باز میان دانشکده‌ها گشتی بزنید تا دست‌تان بیاید این دانشگاه حال و هوایی دخترانه دارد آن‌هم از دخترانی محجبه و باوقار که دانشجویی و حضور در دانشگاه برای درس خواندن و علم‌آموزی از سر و رویشان می‌بارد. دانشجویان چادری این دانشگاه آنچنان زیادند که وقتی در محیط راه می‌روید می‌توانید غلبه حضورشان را به روشنی دریابید. مزار شهدای گمنام دانشگاه هم که در میدان اصلی دانشگاه در تقاطع در ورودی دوم که حالا به دلیل ایجاد مزاحمت برای همسایه‌ها عملاً بسته شده با راهی که به سمت مسجد امام جعفر صادق(ع) می‌رود و مسیری که به سمت سلف و دانشکده‌ها می‌رسد، حالا دیگر به طور کامل در قرق دختران دانشجویی است که از دانشکده‌های مختلف برای زیارت مزار شهدا و نماز به این میعادگاه عاشقی می‌آیند. اذان ظهر را که از مناره‌های مسجد ندا می‌دهند در مقبره شهدا جای سوزن انداختن نیست از دختران دهه هشتادی که می‌آیند تا نمازشان را اول وقت بخوانند. تعدادی هم که دیرتر رسیده‌اند بیرون مقبره شهدا در انتظار می‌مانند تا جا خالی شود و بتوانند نمازشان را در کنار مزار امامزاده‌های عشق بجا بیاورند. من هم به رسم همیشه برای نماز به همین میعادگاه همیشگی رفته بودم و در شلوغی دختران جوان دهه هفتادی و هشتادی برای نماز خواندن منتظر بودم که جا خالی شود و بتوانم واجبی را بجا بیاورم. نماز یکی دو نفر از دختران به پایان رسید و از مقبره بیرون آمدند و من هم مانند بقیه بچه‌ها کفش‌هایم را از پا درآوردم و روی پله‌ها رها کرده و به داخل رفتم. بعد از نماز به سرعت از مقبره خارج شدم تا جا برای بقیه دانشجویانی که می‌آمدند تا نمازشان را بجا بیاورند و فاتحه‌ای بر مزار شهدا قرائت کنند باز شود. اما هنگام خروج از مقبره شهدا و وقتی خواستم کفش‌هایم را بپوشم با صحنه‌ای زیبا و تکان‌دهنده مواجه شدم؛ کفش‌های همه نمازگزاران مرتب و منظم کنار همدیگر جفت شده بودند و کفش من هم در کنار این کفش‌ها به شکلی منظم چیده شده بود. صحنه‌ای که شاید در هیئات مذهبی می‌بینیم و یا مشابهش را درباره رفتارهای رزمندگان دوران دفاع مقدس شنیده‌ایم این بار در یکی از معتبرترین دانشگاه‌های کشور از سوی یکی از دختران دهه هفتادی یا شاید دهه هشتادی دیدم. جفت کردن کفش‌های نمازگزاران بی هیچ ادعایی و بدون اینکه کسی او را ببیند یا بشناسد نشانه‌ای از اوج ایمان و اخلاص یک دختر جوان است؛ جوانی که شاید خیلی از هم‌سن و سالانش در فضایی متفاوت سیر می‌کنند و درگیر ست کردن رنگ لباس و کیف و کفششان هستند. خیلی دوست داشتم می‌دیدمش. در این دور و زمانه دیدن آدم‌هایی این چنین پاک و خالص روح آدم را جلا می‌دهد. همچنان که دیدن رفتارش روحم را نوازش کرد و نشانم داد روح ایمان در رگ‌های جوانان این مرز و بوم می‌جوشد حالا به هر دهه‌ای تعلق داشته باشند.